

# تأثیرات تاکتیکی اما مهم

## وزن فرصت‌ها در دوره پزشکیان افزایش یافت

شهرزاد شریعتی

استاد علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس



تحولات سیاست خارجی ایران طی دوران ریاست جمهوری مسعود پزشکیان را باید در بستر دو متغیر کلیدی تحلیل کرد؛ اول، متغیرهای پارادایماتیک که نشان‌دهنده الگوهای کلان و بلندمدت سیاست‌گذاری خارجی جمهوری اسلامی هستند و دوم، متغیرهای پارادوکسیکال که بیانگر تناقض‌ها و کشمکش‌های درونی و بیرونی در تصمیم‌سازی سیاست خارجی کشور به شمار می‌روند.

از منظر متغیرهای پارادایماتیک می‌توان به مواردی نظیر استقلال، نفی سلطه یا مقاومت و چرخش به شرق در سیاست خارجی ایران اشاره کرد. از منظر متغیرهای پارادوکسیکال باید مواردی نظیر تعارض‌های سیاست‌گذاری خارجی در تنش‌زدایی با منطقه و جهان، نارضایتی اجتماعی و تعارض بین جریانات سیاسی داخلی اشاره کرد. اکنون پرسش این است که اگر پزشکیان رئیس‌جمهوری نمی‌شد، سیاست خارجی ایران در عصر بازگشت ترامپ و جنگ اسرائیل چه فرصت‌ها و تهدیدهایی را تجربه می‌کرد؟ از منظر فرصت‌های احتمالی شاید در نبود پزشکیان، همگرایی دولت با نهادهای نظامی می‌توانست سیاست منطقه‌ای ایران را تهاجمی‌تر کند و موقعیت ایران را دست‌کم در جبهه فلسطین، لبنان و یمن، ارتقا دهد.

می‌توان متصور شد نبود او شاید چرخش پررنگ‌تر به شرق را در سیاست خارجی ایران ایجاد می‌کرد و در غیاب پزشکیان، زمینه برای تمرکزی هزینه‌تر

بر چین، روسیه و بریکس فراهم می‌شد. عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای و دعوت به بریکس در ۲۰۲۳ پیش از این ظرفیت چنین پیوندی را نشان داده بود و در نهایت نبود پزشکیان به معنای حضور یک دولت همسو با جریان‌های اصولگرا بود که اصطکاک‌های داخلی کمتر و صدایی یکدست‌تر در سیاست خارجی به نمایش می‌گذاشت. البته این تمام ماجرا نیست و به نظر می‌رسد در مقابل این روندهای امیدبخش، تهدیدها نیز پررنگ‌تر بودند. تجربه خروج ترامپ از برجام و اعمال فشار حداکثری علیه ایران میان سال‌های ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۰ نشان داد کاخ سفید در زمان ترامپ، در برابر ایران سیاستی به مراتب انعطاف‌ناپذیرتر دارد. بدون لحن میانه‌رو پزشکیان، شاید آثار تحریم‌ها و فشارهای دیپلماتیک شدیدتر می‌شدند و برخلاف ادعای برخی جریانات داخلی شرایط باز هم سخت‌تر می‌شد. طولانی‌تر شدن برخورد مستقیم ایران با اسرائیل در شرایطی که تل‌آویو ناکام از تهاجم‌های دیوانه‌وار به غزه در پی کشاندن ایران به جنگی مستقیم است، در نبود پزشکیان می‌توانست زمینه‌ساز درگیری به مراتب بزرگ‌تری شود که پای آمریکا و ترامپ را هم بیشتر و مستقیم‌تر به میدان می‌کشید.

از سوی دیگر دولت پزشکیان به دلیل نگاه توسعه‌محور و البته در امتداد تلاش‌های دولت قبل توانسته ظرفیت‌های همکاری اقتصادی با همسایگان را ولو کمی بیش از گذشته گسترش دهد.

اما مهم‌ترین مسأله در ایران که اهمیت حضور پزشکیان را برجسته می‌کند کاهش تشدید شکاف اجتماعی در ایران بود. انتخاب پزشکیان اگرچه در سیاست خارجی تاکنون دستاورد بزرگی نداشت، اما تا حدی امید به تغییر در برخی سیاست‌های داخلی را زنده کرد و نبود او شکاف مردم و حاکمیت را عمیق‌تر می‌کرد. این نارضایتی و نبود اجماع داخلی، در عرصه بین‌المللی مشروعیت دیپلماسی ایران را بیش از گذشته تضعیف می‌کرد.

در چنین شرایطی، منطق پارادوکسیکال سیاست‌گذاری خارجی ایران خود را بیشتر نشان می‌داد و هرچه ایران بر مقاومت تأکید بیشتری می‌کرد، فشارهای ترامپ و متحدانش سنگین‌تر می‌شد. هرچه سیاست خارجی یکدست‌تر می‌شد، شکاف‌های اجتماعی در داخل بیشتر عیان می‌شد و هرچه جایگاه ایران در محور مقاومت تقویت می‌شد، خطر جنگ گسترده‌تر با اسرائیل و برخی از کشورهای منطقه نیز پررنگ‌تر می‌شد. اگر پزشکیان رئیس‌جمهوری نمی‌شد، ایران در مسیر امنیت‌محوری و مقاومت سخت باقی می‌ماند؛ مسیری که فرصت‌هایی چون انسجام حاکمیتی و نزدیکی بیشتر به شرق داشت، اما تهدیدهای آن نیز شاید خطر جنگ‌های گسترده‌تر و فرصت‌سوزی اقتصادی، سنگین‌تر بود.

با وجود این باید بر این نکته کلیدی هم تأکید کرد که سیاست‌گذاری خارجی ایران چندان در حوزه اختیارات رئیس‌جمهوری و شخص محور نیست و مسیر آن در چهارچوب «وابستگی به مسیر» و روندهای از پیش تعیین‌شده حرکت می‌کند. بنابراین، حتی با انتخاب پزشکیان نیز می‌توان گفت تاکنون اتفاق بنیادینی در راهبرد کلان ایران رخ نداده است و تفاوت فقط در لحن و تاکتیک و نه در استراتژی‌های کلان است. آنچه تغییر کرده، صرفاً وزن نسبی فرصت‌ها و تهدیدهاست، بویژه در شرایطی که نظام بین‌الملل با بازگشت ترامپ و جنگ اسرائیل برای ایران دشوارتر شده است. بنابراین پزشکیان در این میان شاید فقط یک سوپاپ دیپلماتیک است که می‌تواند بخشی از تناقض‌ها را مهار کند، یا دریچه‌ای برای تعامل محدود بگشاید و با همراهی بخشی از بدنه اجتماعی در مواردی هزینه‌های چرخه «مقاومت - فشار - فرسایش» را برای کشور کاهش دهد. »

حتی با انتخاب  
پزشکیان نیز می‌توان  
گفت تاکنون اتفاق  
بنیادینی در راهبرد  
کلان ایران رخ نداده  
است و تفاوت فقط  
در لحن و تاکتیک و  
نه در استراتژی‌های  
کلان است. آنچه  
تغییر کرده، صرفاً وزن  
نسبی فرصت‌ها و  
تهدیدهاست، بویژه  
در شرایطی که نظام  
بین‌الملل با بازگشت  
ترامپ و جنگ  
اسرائیل برای ایران  
دشوارتر شده است



اگر  
پزشکیان  
نبود



برندکلی

شهرزاد شریعتی  
هفته دولت  
۱۴۰۴